

فصلنامه حقوق اداری

سال دهم، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۳۲

مقاله علمی پژوهشی

شهروندان اراکی و پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون

اعظم میرزمانی^۱؛ محمد اسحاقی^۲؛ الهه تقوی پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

چکیده

پاسخگویی ادارات دولتی به ویژه پاسخگویی آنها در برابر قانون از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و یکی از دغدغه‌های همیشگی شهروندان و نمایندگان منتخب آنهاست. با این حال تحقیقات اندکی در این زمینه به ویژه در ایران انجام شده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی احساس شهروندان اراکی در مورد پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون را بررسی کرد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که احساس شهروندان اراکی از پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون حداقل به دو دلیل ضعیف است. اول، بسیاری از شهروندان تئوری‌های چراغ قرمز را باور ندارند. دوم، شهروندان عادی از توانایی لازم برای گردآوری ادله و مستندات برخوردار نیستند. گرفتن وکیل و پاسخگو نگه داشتن او هم نیازمند دانش و منابع مالی است که افراد عادی فاقد آن هستند. بنابراین عملاً بسیاری از مردم عادی نمی‌توانند از اداره امور عمومی شکایت کنند. همچنین شهروندان نخبه اراکی احساس می‌کنند دیوان عدالت اداری تئوری چراغ قرمز را باور دارد و بر اساس آن به شکایت‌ها رسیدگی می‌کند. با این حال مکانیسم‌های این دیوان ضعیف است و نمی‌تواند دستگاه اداری کشور را پاسخگو نگه دارد.

کلیدواژه‌ها: اداره امور عمومی؛ پاسخگویی قانونی؛ حقوق اداری، شهروندان، ایران

۱. عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه تهران؛ تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛

mirzaman@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. m.eshaghi.a@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

پاسخگویی بخش عمومی یکی از مفاهیم طلایی است که هیچ کس با آن مخالف نیست. همه شهروندان اعم از عادی و نخبه به طور شهودی می‌پذیرند که مقامات دولتی باید در قبال وظایف خود و پولی که خرج می‌کنند، پاسخگو باشند. شکی نیست که قدرت دارندگان آن را فاسد می‌کند و قدرت کنترل نشده بیشتر به فساد دامن می‌زند. بنابراین هرچه پاسخگویی بیشتر باشد، بهتر است (Bovens et.al, 2008).

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد پاسخگویی در ایران انجام شده است (به عنوان مثال خانباشی و همکاران، ۱۳۹۰؛ قادری، ۱۳۹۶؛ معدنی و همکاران، ۱۳۹۷؛ باباخانی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۹۶). با این حال، از میان این تحقیقات فقط چهار تحقیق در مورد پاسخگویی قانونی در اداره امور عمومی است. آقای طوق (۱۳۹۸) تلاش کرد به این سؤال پاسخ دهد که اگر قانونگذار وضع مقررات اجرایی برای یک قانون را به اداره واگذار کند و اداره از وضع آن مقررات سر باز زند و یا آن را به تأخیر اندازد، امکان نظارت قضایی از طریق دیوان عدالت اداری وجود دارد و دیوان می‌تواند اداره را ملزم به وضع مقررات اجرایی کند؟ او نتیجه گرفت که در ایران امکان شکایت در این موارد وجود ندارد. خالصی و خالصی (۱۳۹۶) با هدف پی بردن به وظایف نهادهای نظارتی و میزان موفقیت و نقاط قوت و ضعف آنها نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاه‌های اجرایی و قضایی و نهادها را بررسی کردند. رحمانی (۱۳۹۶) تلاش کرد چگونگی نظارت قضایی توسط دیوان عدالت اداری را تشریح و صلاحیت این دیوان در نظارت مذکور و قواعد حاکم بر این نظارت را بررسی کند. رضایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) روش نظارت قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که در حقوق ایران، دیوان عدالت اداری نظارت عالی بر اعمال و تصمیمات اداری را بر مبنای صلاحیت‌های مشخص قانونی و بر پایه دو معیار اصلی مشروعیت و صلاحیت اعمال می‌نماید؛ حال آنکه نظارت قضایی بر اعمال دولت در حقوق انگلستان، بر پایه دو معیار یاد شده و توسط دادگاه‌های عمومی صورت می‌گیرد. بررسی این تحقیقات نشان داد که اولاً، محققان اداره امور عمومی نسبت به پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون کم توجه بوده‌اند و اندک تحقیقات موجود در این زمینه توسط محققان رشته حقوق انجام شده است. ثانیاً، در این تحقیقات تنها پاسخگویی افراد اداری مورد توجه قرار گرفته و از بررسی احساس شهروندان در مورد پاسخگویی اداره امور عمومی غفلت شده است. به عبارت دیگر، در هیچیک از این تحقیقات احساس شهروندان در مورد پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون بررسی نشده است. بررسی احساس شهروندان در مورد پاسخگویی اداره امور عمومی در برابر قانون بسیار مهم است. اگر شهروندان احساس کنند که اداره امور عمومی در برابر قانون پاسخگوست، در هنگام مواجهه با عدم رعایت قانون توسط ادارات دولتی از مکانیسم‌های قانونی موجود برای پاسخگو نگه داشتن آنها استفاده می‌کنند. استفاده از این مکانیسم‌ها از یک سو

موجب احقاق حق شهروندان و از سوی دیگر قانونمند شدن ادارات دولتی می‌شود. استفاده گسترده از مکانیسم‌های پاسخگو نگر داشتن ادارات دولتی توسط شهروندان این تصور را در میان این ادارات ایجاد می‌کند که باید در قبال رفتار و عملکرد خود پاسخگو باشند. این تصور مهم است و می‌تواند بر رفتار قانونمندان آن‌ها اثر بگذارد (Overman and Schillemans, 2021). از این رو این تحقیق تلاش کرد تا احساس شهروندان اراکی را در مورد پاسخگویی ادارات دولتی در برابر قانون بررسی کند.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. پاسخگویی قانونی

پاسخگویی یعنی رابطه میان یک بازیگر و یک گروه؛ رابطه‌ای که در آن بازیگر موظف است رفتار خود را برای گروه توضیح دهد و توجیه کند، گروه می‌تواند از بازیگر سؤال کند، قضاوت کند، و بازیگر ممکن است با عواقب این سؤالات و قضاوت‌ها مواجه شود (Bovens et.al, 2008). در مورد پاسخگویی ادارات دولتی سه رویکرد وجود دارد: دموکراتیک، مدیریتی / یادگیری و قانونی (Lewis et.al., 2014). در ادبیات پاسخگویی اداره امور عمومی برای این سؤال که چرا پاسخگویی عمومی مهم است، سه پاسخ مشاهده می‌شود که هر کدام از یک رویکرد متمایز در مورد منطق پاسخگویی عمومی نشأت می‌گیرد. اول، پاسخگویی عمومی مهم است چون ابزار دموکراتیک نظارت و کنترل رفتار دولت است (پاسخگویی دموکراتیک). دوم، پاسخگویی مهم است چون ظرفیت یادگیری و اثربخشی قوه مجریه و شرکای آن را در حکمرانی افزایش می‌دهد (پاسخگویی مدیریتی / یادگیری). سوم، پاسخگویی مهم است چون مانع سوء استفاده قوه مجریه می‌شود (پاسخگویی قانونی). (Bovens et.al, 2008). پاسخگویی قانونی در مورد نحوه انجام مسئولیت‌ها و وظایف اداری توسط کارمندان دولت است. خواستگاه این پاسخگویی اطمینان از مدیریت عادلانه و بی‌طرفانه در بوروکراسی است. به بیان دیگر، دغدغه پاسخگویی قانونی اطمینان از این امر است که مقامات منتخب و منتصب مطابق با قانون، خطامشی‌های عمومی و ارزش‌های خدمات عمومی از اختیارات و منابع در اختیار استفاده می‌کنند (Jarvis, 2014)، و امکان سوء استفاده و فساد آنها وجود ندارد (Lewis et.al, 2014). در پاسخگویی قانونی سازمان‌های دولتی باید در برابر مراجع قضایی پاسخگو باشند (هیوز، ۱۳۸۰).

پاسخگویی قانونی، از طریق نظارت‌های تقنینی، بازرسی‌های بیرونی و شکایات اتفاق می‌افتد (Koppell, 2003; Dubnick, 2005). به بیان دیگر در پاسخگویی قانونی سازمان‌های دولتی مکلفند در مورد رعایت شرایط و اصول حاکمیت قانون به دادگاه و دادرسان پاسخگو باشند.

1. Hughes

حاکمیت قانون به معنای انطباق اعمال دولت با قانون است. عدم انطباق اعمال دولت با قانون به منزله تخلف از قواعد حقوقی و خروج از صلاحیت تلقی می‌شود. بنابراین از سازمان‌های دولتی انتظار می‌رود در امور جاری خود از قبیل صدور مجوز، اخذ مالیات، خرید، تصرف اموال مردم و حتی عزل و اخراج کارکنان، کاملاً به ترتیبات و شرایط مندرج در قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی توجه کنند. در غیر اینصورت از طریق شکایت متضررین، تصمیمات آنها در دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار گرفته، ابطال می‌شوند. (زارعی، ۱۳۸۰: ۱۳۴؛ محمدی، ۱۳۹۵: ۲۰)

۲-۱. حقوق اداری در ایران

یکی از مکانیسم‌های پاسخگویی قانونی، حقوق اداری است (Schwartz, 2020). حقوق اداری مربوط به تشکیلات اداری است و روش‌ها و فرایندهایی را در برمی‌گیرد که ادارات دولتی در برقراری روابط با نهادهای سیاسی، سایر سازمان‌های اداری و اشخاص خصوصی از آنها استفاده می‌کنند. به بیان دیگر حقوق اداری به بررسی قواعد مربوط به وظایف و اختیارات اداره و فعالیت‌های اداری (عمدتاً سازمان‌های اداری زیر نظر قوه مجریه) می‌پردازد. (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۹). تئوری‌های حقوق اداری بر اساس مجموعه‌ای از عوامل به ویژه فلسفه نظام سیاسی به دو دسته چراغ قرمز و چراغ سبز تقسیم می‌شوند. تئوری‌های چراغ قرمز (یا تئوری‌های کنترلی) بازتاب مفهوم قضایی عدالت اداری هستند و قوه مجریه را وادار می‌کنند تا از حقوق فردی محافظت و قدرت خود را در چارچوب قانون اعمال کند (Galanga, 2007). در این تئوری‌ها تأکید بر حقوق شهروندان است (Harlow & Rawlings, 2012) و تنها کارکرد حقوق اداری، کنترل اداره و مهار مقامات اداری است. به بیان دیگر، در این تئوری‌ها هدف از قانون اداری مهار فعالیت‌های دولت برای محافظت از حقوق افراد است؛ قانون بر سیاست برتری دارد؛ دولت اداری نیاز به کنترل دارد و بهترین مکانیسم این کنترل، دادگاه است (https://www.oxbridgenotes.co.uk/revision). یکی از ضروریات حقوق اداری آن است که شهروندانی که از یک تصمیم اداری آسیب دیده‌اند، از حق بررسی قانونی بودن این تصمیم در یک دادگاه مستقل برخوردار باشند (Schwartz, 2020). بر اساس تئوری‌های چراغ سبز، هدف از تدوین قانون اداری کمک به دولت برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص خود است. نقش دادگاه‌ها حداقلی است و آنها نباید در وظایف قانونی دستگاه‌های اداری دخالت کنند. زیرا این امر می‌تواند مانع تصمیم‌گیری صحیح توسط آنها شود. تئوری‌های چراغ سبز توجه به کارایی در فرایند حاکمیت را تشویق می‌کنند و پاسخگویی سیاسی را برتر از مسئولیت حقوقی می‌دانند. بر اساس این تئوری‌ها قانون صرفاً نوعی گفتمان سیاسی است و برتر از اداره نیست. هدف از قانون اداری متوقف کردن اعمال بد نیست بلکه ترویج و تسهیل شیوه‌های خوب اداری است. (https://www.oxbridgenotes.co.uk/revision).

تئوری حقوق اداری در ایران، تئوری چراغ قرمز است (هداوند، ۱۳۸۶). در واقع، در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار با پذیرش اصل نظارت قضایی بر مراجع اداری، دیوان عدالت اداری را تأسیس کرده است. به موجب اصل نظارت قضایی، شهروندان می‌توانند از تصمیمات و اقدامات مأموران و واحدهای اداری به دیوان عدالت اداری شکایت کنند. تصمیماتی که مراجع اداری در زمینه وظایف خود می‌گیرند، به دو قسم نوعی و شخصی تقسیم می‌شوند. تصمیم‌های اداری «نوعی» به صورت آیین‌نامه، بخشنامه و مواردی از این دست اتخاذ می‌شوند و رسیدگی به شکایات علیه آنها در صلاحیت هیئت عمومی دیوان است. تصمیم‌های اداری شخصی ناظر بر شخص یا اشخاصی معین هستند و احکام استخدامی، مجوزها، پروانه‌ها و گواهینامه‌ها از جمله آنهاست. دیوان عدالت اداری وظیفه دارد به «شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حق آنها» رسیدگی کند. به علاوه دیوان صلاحیت دارد مصوبات و آیین‌نامه‌های دولتی مخالف با قانون یا خارج از حدود اختیارات را ابطال نماید. (داداش زاده، ۱۳۹۶: ۲۸).

۱-۳. مدل مفهومی تحقیق

یکی از مکانیسم‌های پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی در برابر قانون ایجاد دیوان عدالت اداری است. خاستگاه این دیوان تئوری‌های چراغ قرمز حقوق اداری است. در واقع این تئوری‌ها برای فراهم کردن امکان پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی طراحی شده‌اند. برخلاف تئوری‌های چراغ سبز که حقوق اداری را ابزاری برای کمک به دولت می‌دانند و معتقدند که دادگاه‌ها نباید در وظایف قانونی دستگاه‌های اداری دخالت کنند، تئوری‌های چراغ قرمز معتقدند تنها کارکرد حقوق اداری، کنترل اداره و مهار مقامات اداری است و یکی از ضروریات حقوق اداری آن است که شهروندانی که از یک تصمیم اداری آسیب دیده‌اند، از حق بررسی قانونی بودن این تصمیم در یک دادگاه مستقل برخوردار باشند. بر همین اساس در ایران دیوان عدالت اداری تأسیس شده است تا از طریق آن شهروندانی که از یک تصمیم اداری آسیب دیده‌اند، از نظام اداری شکایت کنند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

هدف از تحقیق حاضر بررسی احساس شهروندان اراکی در مورد پاسخگویی ادارات دولتی در برابر قانون بود. برای این منظور اولاً، آراء صادره توسط دیوان عدالت اداری در مورد شکایت شهروندان از ادارات دولتی بررسی شد. با این فرض که این آراء شاخص مناسبی برای میزان مراجعه شهروندان به دیوان است و شرط لازم اما نه کافی، برای مراجعه شهروندان به دیوان عدالت اداری برای شکایت این احساس است که می‌توان این ادارات را در برابر قانون پاسخگو نگه داشت. تا جایی که می‌توان

گفت تقریباً غیرممکن است فردی برای شکایت از یک دستگاه دولتی به دیوان عدالت اداری مراجعه کند اما فاقد این احساس، ولو در ضعیف‌ترین شکل آن باشد. ثانیاً، احساسات خبرگان در مورد دیوان بررسی شد. به عبارت دقیق‌تر از آنها پرسیده شد: آیا دیوان بر مصوبات و تصمیمات دولت نظارت دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مکانیسم‌های این نظارت چیست؟ و در صورت منفی بودن، علت این عدم نظارت چیست؟ آیا تاکنون دیوان مقررات (تصویب‌نامه، آیین‌نامه و اوامر مقامات عالیه کشور) را ابطال کرده است؟ لطفاً با ذکر مثال توضیح دهید. آیا دیوان غالباً به نفع دستگاه اداری رأی صادر می‌کند یا مردم؟ لطفاً دلیل خود را به صورت مبسوط توضیح دهید

تحقیق حاضر برای بررسی آراء صادره توسط دیوان عدالت اداری در مورد شکایت شهروندان از ادارات دولتی، از روش تحلیل محتوای کیفی آراء صادره در بازه زمانی یک ساله (آبان ۱۳۹۸ تا آبان ۱۳۹۹) در شهر اراک استفاده کرد. تحلیل محتوای کیفی برای توصیف تجارب افراد و احساسات درونی آنها استفاده می‌شود (ضیغمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). مراحل تحلیل محتوا کیفی عبارت است از مشخص کردن مسأله پژوهش؛ تدوین سؤالات و اهداف؛ تعریف و مشخص کردن متغیرها؛ نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه؛ کدگذاری و مقوله‌بندی؛ تحلیل و استنباط نتایج و گزارش (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

در گام اول تحقیق چند متن (جدول ۱) تحلیل شد. هدف از تحلیل این متون پاسخ به چند سؤال بود که از سؤال اصلی تحقیق حاصل شده بود: در شهر اراک چند دفتر نمایندگی برای دیوان عدالت اداری وجود دارد و هدف از ایجاد این دفاتر چیست؟ بر اساس مطالعات و اطلاعات رسمی قوه قضائیه، در بازه زمانی یک ساله (آبان ۱۳۹۸ تا آبان ۱۳۹۹) در شهر اراک چند رأی توسط دیوان صادر شده است؟ با توجه به جمعیت شهر اراک، و در مقایسه با سایر شهرهای ایران آیا این تعداد زیاد است یا کم یا متوسط؟ موضوع رأی و محتوای رأی چه بوده است؟

جدول ۱- مشخصات اسناد و متون بررسی شده

کد	منبع	آدرس
T1	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵	https://divane-dalat.ir
T2	آراء هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری	https://divane-dalat.ir
T3	آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری	https://divane-dalat.ir
T4	کتاب «صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»	معاونت آموزش، پژوهش و پیشگیری دیوان عدالت اداری - غلامرضا مولایی - انتشارات جنگل ۱۳۹۳
T5	آمار ارائه شده توسط دفتر دیوان عدالت اداری استان مرکزی	دفتر دیوان عدالت اداری استان مرکزی مستقر در ساختمان شماره ۴ دادگستری اراک

لازم به ذکر است که دسترسی به آراء صادره‌ی دیوان عدالت اداری به دلیل محرمانه بودن آنها امکان‌پذیر نیست. در این تحقیق اولاً، آرائی بررسی شد که توسط هیئت‌های عمومی و تخصصی صادر شده بود و در سایت دیوان عدالت اداری در دسترس قرار داشت. ثانیاً، آراء خصوصی بررسی شد که با حسن همکاری دفتر دیوان در اراک و به شرط «رعایت اصل ناشناخته ماندن موضوع تحقیق»، در دسترس محققان قرار گرفت.

در گام دوم، داده‌های حاصل از مصاحبه با ۱۵ نفر از افراد مطلع (جدول ۲) تحلیل شد. مصاحبه‌شوندگان با استفاده از روش «گلوله‌برفی» شناسایی شدند. نمونه‌گیری گلوله برفی، زمانی استفاده می‌شود که دسترسی به افراد برخوردار از ویژگی‌های مورد نظر محقق، دشوار باشد (نادری‌فر، گلی، قلجایی، ۱۳۹۶: ۱۷۲). در این روش، ابتدا یک یا چند نفر با ویژگی‌های مورد نظر انتخاب می‌شوند و سپس از آنان درخواست می‌شود تا افراد برخوردار از ویژگی‌های مشابه با خود را معرفی کنند. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که اشباع ایجاد شود، یعنی دیگر داده جدیدی به دست نیابد (نادری‌فر، گلی، قلجایی، ۱۳۹۶: ۱۷۲). پس از ۱۳ مصاحبه اشباع حاصل شد با این حال برای اطمینان دو مصاحبه دیگر نیز انجام شد.

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

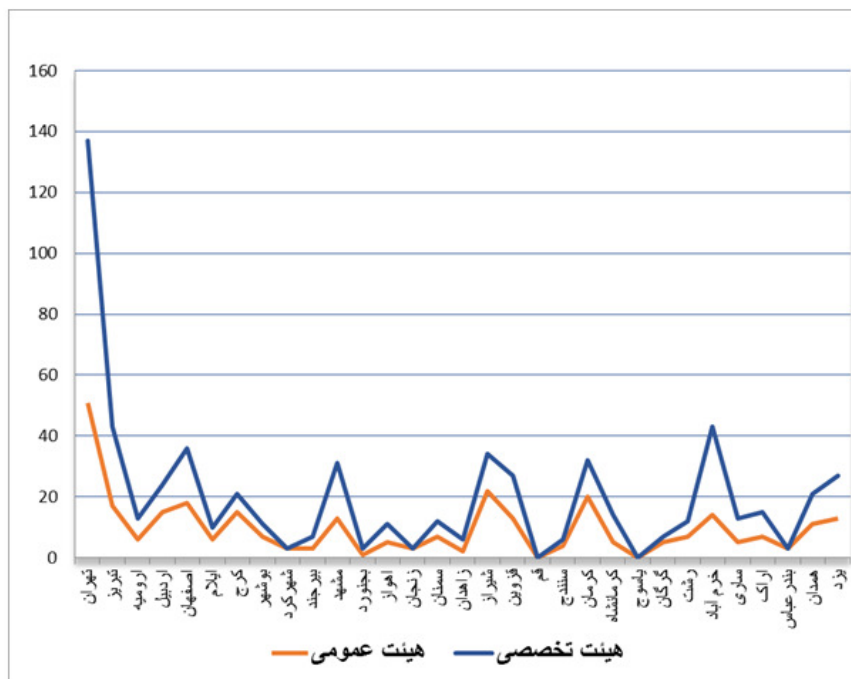
جنسیت	سطح تحصیلات	سن	سابقه کار	شغل و سمت
مرد	کارشناسی ارشد	۴۱	۱۵ سال	رئیس دفتر دیوان استان مرکزی
زن	کارشناسی	۳۵	۱۰ سال	کارشناس پیگیری و هماهنگی دفتر دیوان استان مرکزی
مرد	کارشناس ارشد	۴۶	۱۸ سال	کارشناس حقوقی بیمه تأمین اجتماعی شهر اراک
مرد	کارشناس ارشد	۴۷	۲۰ سال	مدیر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهر اراک
مرد	کارشناس ارشد	۴۰	۱۰ سال	قاضی
مرد	کارشناس	۳۵	۸ سال	کارشناس حقوقی بیمه تأمین اجتماعی شهر اراک
مرد	کارشناس ارشد	۵۳	۲۲ سال	کارشناس حقوقی شهرداری
مرد	کارشناس ارشد	۳۹	۶ سال	وکیل پایه یک دادگستری
زن	کارشناس	۳۳	۶ سال	کارشناس حقوقی اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهر اراک
زن	کارشناس ارشد	۴۰	۱۸ سال	وکیل پایه یک دادگستری
زن	کارشناس ارشد	۴۳	۱۱ سال	وکیل پایه یک دادگستری
مرد	کارشناس ارشد	۴۹	۲۴ سال	رئیس دفتر خدمات قضایی
مرد	کارشناس ارشد	۳۵	۸ سال	وکیل پایه یک دادگستری
زن	کارشناس ارشد	۳۰	۶ سال	وکیل پایه یک دادگستری
مرد	کارشناس ارشد	۴۲	۱۲ سال	رئیس دفتر خدمات قضایی

برای اطمینان از کیفیت تحقیق اولاً، برای افزایش اعتبار داده‌ها در فراگرد تحلیل از تکنیک ساده‌سازی و خلاصه کردن داده استفاده شد و جمله، به عنوان واحد تحلیل انتخاب شد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). ثانیاً، برای اطمینان از قابلیت تعمیم یافته‌ها از مدل مفهومی استفاده شد. به بیان دیگر داده‌های متنی با استفاده از تئوری‌های موجود تحلیل شد. استفاده از تئوری‌های موجود برای تحلیل یافته‌ها، یکی از ابزارهای اصلی اطمینان از تعمیم تئوریک آنهاست (Yin, 2009: 70-75). ثالثاً، برای ایجاد قابلیت اطمینان، روش تحقیق به دقت و جزئیات توصیف شد تا امکان تکرار آن توسط سایر محققان وجود داشته باشد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۶۷-۷۵).

۳. یافته‌های پژوهش

دیوان عدالت اداری در استان مرکزی یک دفتر نمایندگی دارد که در مرکز استان (شهر اراک) مستقر است. هدف از ایجاد این دفتر تسهیل دسترسی مردم، تسهیل در رسیدگی به شکایات مردمی و ارتقاء کیفیت رسیدگی به این شکایات است. در بازه زمانی یک ساله (آبان ۱۳۹۸ تا آبان ۱۳۹۹) به ترتیب

۷ و ۸ رأی توسط هیئت‌های عمومی و تخصصی صادر شده است. این تعداد رأی در مقایسه با سایر شهرهای کشور (جدول ۳ و نمودار ۱) در حد متوسط و میانه قرار دارد.



نمودار ۱- مقایسه شهرهای دارای نمایندگی دیوان عدالت اداری

به بیان دیگر تعداد آراء موجود در سایت دیوان عدالت اداری (که صرفاً محدود به آراء هیئت عمومی و تخصصی است)، نشان می‌دهد که تعداد آراء صادره در شهر اراک اندکی پایین‌تر از میانگین آراء صادره در کشور است. با این حال، اگر تعداد آراء شهر تهران را (به

جدول ۳- مقایسه آراء هیئت عمومی و تخصصی در شهرهای دارای دفتر نمایندگی دیوان عدالت اداری

استان	مرکز استان	هیئت عمومی	هیئت تخصصی	ردیف	استان	مرکز استان	هیئت عمومی	هیئت تخصصی
تهران	تهران	۵۱	۸۶	۱۶	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۲	۴

۲	آذربایجان شرقی	تبریز	۱۷	۲۶	۱۷	فارس	شیراز	۲۲	۱۲
۳	آذربایجان غربی	ارومیه	۶	۷	۱۸	قزوین	قزوین	۲	۱۴
۴	اردبیل	اردبیل	۱۵	۹	۱۹	قم	قم	۰	۰
۵	اصفهان	اصفهان	۱۸	۱۸	۲۰	کردستان	سندج	۴	۲
۶	ایلام	ایلام	۶	۴	۲۱	کرمان	کرمان	۱۰	۱۲
۷	البرز	کرج	۱۵	۶	۲۲	کرمانشاه	کرمانشاه	۵	۹
۸	بوشهر	بوشهر	۷	۴	۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج	۰	۰
۹	چهارمحال و بختیاری	شهرکرد	۳	۰	۲۴	گلستان	گرگان	۵	۲
۱۰	خراسان جنوبی	بیرجند	۳	۴	۲۵	گیلان	رشت	۷	۵
۱۱	خراسان رضوی	مشهد	۱۳	۱۸	۲۶	لرستان	خرم آباد	۱۴	۲۹
۱۲	خراسان شمالی	بجنورد	۱	۲	۲۷	مازندران	ساری	۵	۸
۱۳	خوزستان	اهواز	۵	۶	۲۸	مرکزی	اراک	۷	۸
۱۴	زنجان	زنجان	۳	۰	۲۹	هرمزگان	بندرعباس	۳	۰
۱۵	سمنان	سمنان	۷	۵	۳۰	همدان	همدان	۱۱	۱۰
					۳۱	یزد	یزد	۱۳	۱۴
								میانگین آراء عمومی	
								۹,۰۳۲۲۵۸۰۶۵	
								میانگین آراء تخصصی	
								۱۰,۴۵۱۶۱۲۹	
						میانگین آراء عمومی بدون احتساب آراء شهر تهران			
						۷,۶۳۳۳۳۳۳۳			
						میانگین آراء هیئت تخصصی بدون احتساب آراء شهر تهران			
						۷,۹۳۳۳۳۳۳۳			

عنوان مرکز دیوان عدالت اداری که بیشترین تعداد رأی را نیز به خود اختصاص داده است، حذف کنیم، تعداد آراء شهر اراک در مقایسه با دیگر شهرهای ایران در حد متوسط قرار می‌گیرد.

از میان ۱۵ رأی عمومی و تخصصی صادره، در ۹ رأی شاکی شخص حقیقی و در سایرین، شاکی شخص حقوقی بود. از میان این ۹ رأی، ۷ رأی در مورد ابطال تصمیم‌های اداری و ۲ رأی در مورد اعلام تعارض در آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری بود. طرف شکایت در تصمیم‌های مربوط به ابطال تصمیم‌های اداری، در ۲ مورد دانشگاه اراک، ۱ مورد دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۱ مورد شهرداری اراک، ۱ مورد کارگروه تخصصی امور زیربنایی و شهرسازی و شورای ترافیک استان مرکزی، ۱ مورد دادگستری استان مرکزی و ۱ مورد هیئت وزیران بود. طرف شکایت در تصمیم‌های اعلام تعارض، شعب دیوان عدالت اداری بود. از میان آراء صادره در مورد ابطال تصمیم‌های اداری، در ۴ مورد، شکایت رد شد. در ۱ مورد دیوان رأی به «عدم صلاحیت رسیدگی» داد. و در ۲ مورد تصمیم اداری باطل شد. در هر دو رأی صادره در مورد اعلام تعارض، نظر دیوان این بود که «تعارض در آراء محرز است».

به نظر مصاحبه‌شوندگان دیوان بر مصوبات و تصمیمات دولت نظارت دارد «ولی نه به صورت مستقیم، بلکه به صورت غیرمستقیم و با ارائه دادخواست و طرح شکایت از سوی مردم». به بیان دیگر، «نظارت دیوان نه به صورت ابتدایی و از زمان تصویب بلکه در صورتی که از سوی مردم شکایتی صورت گیرد» انجام می‌شود. هر کسی می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت تقاضا نماید. به بیان دیگر ممکن است فردی در موضوعی مستقیماً ذی‌نفع نباشد ولی می‌تواند نسبت به غیر قانونی بودن آن طرح دعوا کند. همچنین ممکن است این ابطال مصوبات به صورت فردی و یا جمعی باشد مانند دادخواستی که راجع به مطالبات معلمان است و شامل همه معلمان می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفت در ایران کنترل مصوبات دولت از سه جنبه ممکن است. (۱) کنترل مصوبات دولت از نظر عدم مغایرت با قوانین عادی، (۲) کنترل مصوبات دولت از نظر عدم مغایرت

جدول ۴- نمونه‌ای از جدول آراء صادره در دیوان عدالت اداری شهر اراک در بازه زمانی آبان

۱۳۹۸ تا آبان ۱۳۹۹

موضوع	تاریخ رأی	شاکی	طرف شکایت	رأی نهایی
تخصصی				
ابطال تعرفه	۴ ۱۳۹۹/۶/۱	شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران	شورای اسلامی شهر اراک	رد شکایت
ابطال کلیات بند... کمیسیون ماده ۵ اراک	۶/۳۱ ۱۳۹۹	شخص حقیقی	شهرداری اراک (کمیسیون ماده ۵)	رد شکایت
ابطال عوارض آتش نشانی	۳/۲۴ ۱۳۹۹	شرکت تعاونی مسکن فرهیختگان دانشگاه اراک	شورای اسلامی و شهرداری اراک	رد شکایت
عمومی				

ابطال تصمیم	دادگستری استان مرکزی	شخص حقیقی	۱۳۹۹/۴/۳	ابطال تصمیم شماره ... [سرپرست مجتمع حقوقی دادگستری اراک]
عدم ابطال	شورای اسلامی شهر مشهد	سازمان بازرسی کل کشور	۸/۱۴ ۱۳۹۸	ابطال ماده ... و ابطال ماده... شورای اسلامی شهر مشهد

با شرع، ۳) کنترل مصوبات دولت از نظر عدم مغایرت با قانون اساسی. در خصوص بند اول ... سه شیوه کنترلی ... مشخص شده است. الف) بررسی توسط رئیس مجلس شورای اسلامی، ب) بررسی توسط دیوان عدالت اداری، ج) بررسی توسط قضات دادگاهها. قلمرو موضوعی نظارت قضایی دیوان عدالت محدود به اعمال اداری است و هیئت عمومی دیوان عدالت برای بررسی مصوبات دولت از حیث مغایرت با قانون دارای صلاحیت می‌باشد». به نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان «در حال حاضر برای رسیدگی به مصوبات دولت از لحاظ جنبه عمومی، مدعی‌العموم وجود ندارد، لذا بخش اعظمی از مصوبات دولت سال‌ها اجرا می‌گردند و در نهایت با شکایت مردم و اشخاص حقیقی یا سازمان بازرسی کل کشور ابطال می‌شوند و این نشان دهنده این است که برای کنترل مصوبات دولت اهرم کنترلی مؤثر وجود ندارد». به نظر یکی دیگر از آنها «مصوبات دولت پس از صدور، مورد نظارت و کنترل قرار نمی‌گیرد و فقط ابطال می‌شود و بین نظارت و ابطال تفاوت وجود دارد».

به نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان ابطال مقررات دولتی متداول است. با تأمل بر آنکه «ابطال مقررات و تصمیمات دولتی بستگی به دادخواستی دارد که به دیوان ارائه می‌شود که اگر جامع و کامل و با مستندات کافی باشد، دیوان رأی به ابطال آن می‌دهد و اگر امری خلاف قانون باشد دیوان آن را رد می‌کند». اما به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان «ابطال مصوبات و تصمیمات دولتی یک پدیده نادر است، هرچند تاکنون بسیاری از آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های دولتی ابطال گردیده است؛ لکن چنانچه نسبت به کل آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های صادره قیاس شود، ملاحظه می‌گردد که موارد ابطال شده در اقلیت قرار دارد» و به نظر دیگری «یک امر متداول نیست زیرا با توجه به حجم بالای مصوبات دولت و ملاحظه تعداد موارد ابطال شده، ملاحظه می‌گردد که بسیاری از مصوبات مصون از اعتراض و ابطال باقی مانده و موارد اندکی ابطال شده‌اند».

به نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان دیوان در رسیدگی به شکایات صرفاً بر اساس قانون عمل می‌کند و از شاکای یا دستگاه دولتی جانبداری نمی‌کند. به بیان دیگر «کار دیوان رسیدگی به امور خلاف قانون است و هر چیزی که خلاف قانون تشخیص داده شود ابطال می‌شود. نمی‌توان گفت به نفع چه کسی دولت یا مردم [رأی صادر می‌کند] بلکه براساس قانون و مطابق با قانون [رأی صادر می‌کند]». و «دیوان عدالت اداری مرجعی است که براساس و مبنای ذی حق بودن رأی می‌دهد و

قضایه‌ای نمی‌کند که چه شخصی به عنوان شاکی یا متشاکی قرار گرفته است. بلکه با بررسی شواهد و مدارک براساس قانون تصمیم‌گیری می‌کند» و زبان دیوان زبان قانون است و هر چیزی که در قانون صراحتاً بیان شده باشد ملاک عمل قرار می‌گیرد. ولی در اغلب موارد ذهنیت مردم به این امر است که رأی به نفع [دستگاه دولتی] صادر شده است؛ زیرا مردم معمولاً اشراف کافی به قوانین ندارند و آدله و مستندات کافی ارائه نمی‌دهند و تصور می‌کنند که رأی دیوان به نفع دولت بوده است در حالی که چون در دادگاه‌های دیوان عدالت اداری افراد به عنوان شاکی حضور ندارند و تنها براساس مدارک و مستندات ارائه شده، تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد، ضرورت تهیه مدارک و مستندات کافی و ارائه مدارک و آشنایی با قانون بیشتر می‌شود. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «معمولاً استنباط بر این است که دیوان رأی به نفع دستگاه‌های اداری صادر می‌کند و شاید عمده دلیل آن این است که غالباً قانون‌گذاران می‌بایست اهتمام جدی به مراعات مقررات و دستورالعمل‌ها بنمایند؛ در این صورت کمتر پیش می‌آید که مصوبات با مقررات مغایرت پیدا کند و طرح ادعاهای اشخاص به لحاظ استنباط شخصی از این مقررات می‌باشد که مبادرت به طرح عناوین دعاوی می‌گردد و طبعاً نمی‌تواند نسبت به جلب نظر و آراء دیوان منتهی گردد». به نظر یکی دیگر از آنها «البته رسیدگی در دیوان هم خالی از اشکال نیست و برخی از آراء به درستی صادر نمی‌گردد و در این موارد اغلب، مردم دچار زیان گردیده‌اند؛ زیرا دولت و حاکمیت در مقابل مردم قرار گرفته و از موقعیت برتری برخوردار هستند». به نظر یکی از آنها چون «رأی دیوان غالباً براساس قوانین و مقررات است و می‌توان گفت در اکثر مواقع به نفع دستگاه‌های اداری رأی صادر می‌کند». به نظر تعداد اندکی از مصاحبه‌شوندگان «دیوان به نفع مردم رأی می‌دهد». دیوان عدالت اداری یک مرجع عالی است که امکان نفوذ اشخاص و ادارات در آن بسیار کم است ... بنابراین در صورت محق بودن و داشتن مستندات کافی نتیجه اتخاذ شده متمایل به نفع مردم است. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «با توجه به غیر حضوری بودن رسیدگی در دیوان و عدم حضور وکلا در جلسات رسیدگی و مشخص نبودن نوع مذاکرات قضات دیوان، ... معلوم نیست که با چه دیدگاهی نسبت به بررسی پرونده‌ها اقدام می‌گردد و به هنگام صدور رأی آیا جوانب خاصی مد نظر قرار می‌گیرد یا خیر».

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پاسخگویی ادارات دولتی به ویژه پاسخگویی آنها در برابر قانون از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و یکی از دغدغه‌های همیشگی شهروندان و نمایندگان منتخب آنهاست. با این حال تحقیقات اندکی در این زمینه به ویژه در ایران انجام شده است. تحقیق حاضر احساس شهروندان اراکی در مورد پاسخگویی ادارات دولتی در برابر قانون را بررسی کرد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که احساس شهروندان اراکی از پاسخگویی ادارات دولتی در برابر قانون ضعیف است. بررسی آراء صادره دیوان عدالت اداری در شهر اراک نشان داد که تعداد شکایات مردمی نسبت به حجم تصمیم‌های اداری بسیار اندک است و غالباً طرف شکایت، نهادهای شهری هستند. اندک شکایات موجود هم غالباً توسط افراد تحصیل کرده انجام شده و مخاطب آن دانشگاه یا شعب دیوان (۵ مورد از ۹ مورد رأی صادره) است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان این ضعف احساس را به شهروندان و مکانیسم‌های دیوان عدالت اداری نسبت داد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که حداقل به دو دلیل، شهروندان اراکی از دانش و توان لازم برای پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی در برابر قانون برخوردار نیستند. دلیل اول، پاسخگو نگه داشتن مستلزم باور نظریه چراغ قرمز توسط مردم است. به بیان دیگر شهروندان در درجه اول باید باور کنند که می‌توان از بخشی از حکومت (قوه مجریه) به بخشی دیگر آن (قوه قضائیه) شکایت کرد و برنده شکایت شد. مصاحبه شونده‌گان باور داشتند که بسیاری از مردم ایران، تئوری‌های چراغ قرمز را باور ندارند. به عنوان نمونه یکی از مصاحبه شونده‌گان گفت «در اغلب موارد ذهنیت مردم به این امر است که رأی به نفع [دستگاه دولتی] صادر شده است» و به نظر یکی دیگر از آنها «معمولاً استنباط بر این است که دیوان رأی به نفع دستگاه‌های اداری صادر می‌کند». دلیل دوم، در پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی از طریق دیوان گردآوری مستندات و ادله نقش اساسی را ایفا می‌کنند. اهمیت مضاعف مستندات و ادله زمانی آشکار می‌شود که در کنار غیبت طرفین دعوا در هنگام رسیدگی به شکایت در دیوان عدالت اداری قرار گیرد. به عبارت دقیق‌تر «ابطال مقررات و تصمیمات دولتی بستگی به دادخواستی دارد که به دیوان ارائه می‌شود که اگر جامع و کامل و با مستندات کافی باشد، دیوان رأی به ابطال آن می‌دهد» (یکی از مصاحبه شونده‌گان). و «مردم معمولاً اِشْراف کافی به قوانین ندارند و ادله و مستندات کافی ارائه نمی‌دهند و در دادگاه‌های دیوان عدالت اداری افراد [طرفین دعوا یا وکلای آنها] حضور ندارند و تنها براساس مدارک و مستندات ارائه شده، تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد». بنابراین شهروندان عادی برای شکایت از یک سازمان دولتی یا باید خودشان توانایی گردآوری شواهد و مستندات را داشته باشند و یا باید برای این کار وکیل بگیرند. شهروندان عادی از توانایی لازم برای گردآوری ادله و مستندات برخوردار نیستند. گرفتن وکیل و پاسخگو نگه داشتن او هم نیازمند دانش و منابع مالی است که افراد عادی فاقد آن هستند. بنابراین عملاً بسیاری از مردم عادی نمی‌توانند از سازمان‌های دولتی شکایت کنند.

براساس یافته‌های این تحقیق شهروندان نخبه اراکی احساس می‌کنند دیوان عدالت اداری تئوری چراغ قرمز را باور دارد و بر اساس آن به شکایت‌ها رسیدگی می‌کند. با این حال مکانیسم‌های این دیوان ضعیف است و نمی‌تواند دستگاه اداری کشور را پاسخگو نگه دارد. به نظر اکثر مصاحبه‌شونده‌گان ابطال مقررات دولتی متداول است و تاکنون بسیاری از آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های

دولتی ابطال گردیده است. همچنین به نظر اکثر آنها دیوان در رسیدگی به شکایات صرفاً بر اساس قانون عمل می‌کند و «هر چیزی که خلاف قانون تشخیص داده شود ابطال می‌شود. نمی‌توان گفت به نفع چه کسی، دولت یا مردم، بلکه براساس قانون و مطابق با قانون». به نظر مصاحبه شونده‌گان دیوان عدالت اداری به هر شهروند اجازه می‌دهد که در هر موضوعی، حتی موضوعی که در آن ذی نفع نیست، از جانب هر کسی، خودش یا همه مردم، از هر نهاد دولتی شکایت کند. با این حال مکانیسم‌های دیوان عدالت اداری حداقل به دو دلیل ضعیف است. دلیل اول، پاسخ‌خواهی قضایی دیوان عدالت اداری غیرمستقیم است و فقط زمانی ممکن است که شهروندان یا سازمان‌های دولتی از یک تصمیم یا نهادی اداری شکایت کنند. در واقع در حال حاضر برای رسیدگی به مصوبات دولت از لحاظ جنبه عمومی، مدعی‌العموم وجود ندارد؛ لذا بخش اعظمی از مصوبات دولت سال‌ها اجرا می‌گردد و در نهایت با شکایت مردم و اشخاص حقیقی یا سازمان بازرسی کل کشور ... ابطال می‌گردد و این نشان دهنده این است که برای کنترل مصوبات دولت اهرم کنترلی مؤثر وجود ندارد». دلیل دوم، پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی در برابر قانون توسط دیوان محدود به مطابقت با قوانین عادی است. به بیان دیگر، دیوان عدالت اداری صرفاً تصمیمات اداری را با تصمیمات عادی کشور مطابقت می‌دهد و در صورت مغایرت، آن‌ها را ابطال می‌کند. و به مطابقت یا عدم مطابقت تصمیمات اداری با قوانین اساسی رسیدگی نمی‌کند.

دانش‌افزایی تئوریک تحقیق حاضر این بود که توجه محققان مدیریت دولتی ایران را به نقش شهروندان در پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی در برابر قانون جلب کرد. تاکنون تحقیقات زیادی در مورد پاسخگویی در ایران انجام شده است. با این حال، تا جایی که محقق می‌داند هیچ تحقیقی در مورد پاسخگویی قانونی انجام نشده است. دانش‌افزایی کاربردی تحقیق این بود که به سیاست‌گذاران پیشنهاد کرد که اولاً، دانش و توان شهروندان را برای پاسخگو نگه داشتن ادارات دولتی در برابر قانون را افزایش دهند. ثانیاً، مکانیسم‌های کاری دیوان عدالت اداری را تقویت کنند.

محدودیت اصلی این تحقیق در تعمیم نتایج آن است. این تحقیق با روش کیفی انجام شده و تعداد نمونه مورد مطالعه آن اندک است. بنابراین باید در تعمیم نتایج احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود با استفاده از یافته‌های این تحقیق، اولاً، تحقیقات کمی با حجم نمونه کافی در شهر اراک انجام شود. ثانیاً، تحقیقات کمی در مقیاس ملی در دستور کار قرار گیرد. بررسی آراء صادره دیوان عدالت اداری در شهر اراک (بدون احتساب شهر تهران) در مقایسه با دیگر شهرهای ایران نشان داد که اراک از این نظر در حد متوسط قرار دارد (نمودار ۱ و جدول ۳). بنابراین می‌توان ادعا کرد ضعف احساس شهروندان از پاسخگویی ادارات دولتی در برابر قانون منحصر به شهر اراک نیست. اثبات یا رد این ادعا در گرو انجام تحقیقات کمی با حجم نمونه بالاست.

فهرست منابع

الف. فارسی

- آقای طوق، مسلم (۱۳۹۸). "نظارت قضایی بر عدم وضع مقررات در ایران در پرتو حقوق اداری تطبیقی"، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳.
- ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰). "تحلیل محتوای کیفی"، نشریه پژوهش، شماره ۲.
- باباجانی، جعفر (۱۳۸۲). "مسئولیت پاسخگویی و تحولات حسابداری دولتی موضوع بیانیه ی ۳۴ (GASB)"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۸.
- خالصی، امین. خالصی، رضا (۱۳۹۶). "نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادهای سومین کنفرانس سراسری حقوق و مطالعات قضایی"، ایران: شیراز.
- خانباشی، محمد؛ زاهدی، شمس السادات؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۰). "پاسخگویی بستری برای تقویت اعتماد عمومی"، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۲.
- داداش زاده، علیرضا. (۱۳۹۶). حقوق اداری، قائم شهر: منشورگفتمان.
- رحمانی، شعبان (۱۳۹۶). "مطالعه نظارت قضایی بر عملکرد اجرایی قوه مجریه"، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۱۸.
- رضایی زاده، محمدجواد؛ اکبری، احسان؛ روزی طلب، محمدمحسن (۱۳۹۶). "مطالعه تطبیقی معیارهای اعمال نظارت قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان"، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۱۳.
- زارعی، محمدمحسین (۱۳۸۰). "فرایند مردمی شدن، پاسخگویی و مدیریت دولتی"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۹.
- ضیغمی، رضا؛ باقری نسامی، معصومه؛ حق دوست اسکوئی، سیده فاطمه؛ یادآور نیکروش، منصوره (۱۳۸۷). "تحلیل محتوا، فصلنامه پرستاری ایران"، شماره ۵۳.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق اداری، تهران: دادگستر.
- قادری، کاوه (۱۳۹۶). "نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای مسئولیت پاسخگویی مدیران بخش عمومی"، فصلنامه حسابداری دولتی، شماره ۲.
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۵). "بررسی پاسخگویی اداری بر مبنای اداره شایسته (مطالعه موردی اداره کل تأمین اجتماعی استان کرمانشاه)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- معدنی، جواد؛ زرندی، سعید؛ عبدالهی، محمدرضا (۱۳۹۷). "تحلیل تأثیر پاسخگویی عمومی بر خط مشی ارتقای سلامت اداری و شفافیت سازمانی در بخش دولتی (مورد مطالعه: وزارت صنعت، معدن و تجارت جمهوری اسلامی ایران)"، فصلنامه خطمشی گذاری عمومی در مدیریت، شماره ۳۰.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲). "تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، فصلنامه علوم تربیتی و اندازه گیری تربیتی"، شماره ۱۴.
- هداوند، مهدی. (۱۳۸۶). "مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری". نشریه حقوق اساسی، شماره ۸.
- هیوز، آون (۱۳۸۰). مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی. تهران: مروارید.

ب. لاتین

- Bovens, Mark; Schillemans, Thomas; Hart, Paul 'T. (2008). DOES PUBLIC ACCOUNTABILITY WORK? AN ASSESSMENT TOOL. *Australian Journal of Public Administration*, 86 (1), 225-242.
- Dubnick, Melvin. (2005). Accountability and the Promise of Performance: In Search of the Mechanisms, *Public Performance and Management Review*, 28 (3), 410-411.
- GalAnga, Dilini. (2017). Red Light and Green Light Theories: The United Kingdom and the Sri Lankan Experience. Accessed by https://www.academia.edu/22207010/Red_Light_and_Green_Light_Theories_The_United_Kingdom_and_the_Sri_Lankan_Experience.
- Harlow, carol; Rawlings, Richard. (2012). Red and green light theories, Cambridge University press; *Law and Administration*, 3rd Edition, 1-48.
- Jarvis, Mark. (2014). The Black Box of Bureaucracy: Interrogating Accountability in the Public Service, *Australian Journal of Public Administration*, 73(4), 450-466.
- Kopell, J. (2003). The policies of quasi – government: Hybrid organizations & the dynamics of bureaucratic control. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lewis, M Jenny; O'Flynn, Janine; Sullivan, Helen. (2014). Accountability: To Whom, in Relation to What, and Why?, *Australian Journal of Public Administration*, 73(4), 401-407.
- Overman, Sjors; Schillemans, Thomas. (2021). Toward a Public Administration Theory of Felt Accountability. *Public Administration Review*, 82(1), pp. 12-22.
- Schwartz, Bernard, (2020), *Administrative Law*, Available In <https://www.encyclopedia.com/social-sciences-and-law/law/law-divisions-and-codes/administrative-law>.
- Yin, R.K.C. (2009). Case Study Research, Design and Methods. *Canadian Journal of Action Research*, 14(1), 69-71.